۵ نظریهٔ کلیدی اقتصاد مقاومتی، تجربهٔ کشورهای موفق و واقعیت‌های ایران، چهارچوبی نو برای حکمرانی اقتصادی ارائه می‌دهد

«اقتصاد تاب‌آور ترکیبی» برای اقتصاد ایران در میدان جنگ ترکیبی

سعید سبقی
استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل راهبردی

جنگ ۱۲ روزه تحمیلی علیه ایران توسط ائتلاف اسرائیل - آمریکا، اعضای ناتو و برخی کشورهای متحد آن‌ها در منطقه که شاید بتوان گفت حدود ۴۰ کشور هستند، از ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ آغاز شد که نخستین جنگ نظامی مستقیم جمهوری اسلامی ایران با یک محور عبری - غربی - آمریکایی بود. اگرچه در حال حاضر جنگ متوقف شده و به اصطلاح، آتش‌بس متزلزل بر این بحران سایه انداخته، اما شواهد، تحلیل‌ها و حتی سوابق تاریخی رفتار رژیم صهیونیستی، همگی مؤید احتمال زیاد افزایش تنش‌هاست. در چنین شرایطی که جوامع در توقف و نه پایان جنگ و ابهام به سر می‌برند، اقتصاد کشورها به‌جای تکیه‌گاه، به میدان تهدید و نوسان تبدیل می‌شود. در چنین فضایی، رکود تورمی، بی‌ثباتی ارزی، بلاتکلیفی اجتماعی و عدم امکان برنامه‌ریزی مناسب، کشور را در معرض مشکلات داخلی به‌ویژه در حوزه اقتصاد قرار می‌دهد؛ حوزه‌ای که در سال‌های اخیر دربساری از کشورها، از پیوست امنیت به عامل و تقویت‌کننده امنیت تبدیل شده و اهمیت آن، بیش از پیش افزایش پیدا کرده است. متأسفانه در دفاع مقدس ۱۲ روزه، علی‌رغم اقدامات مثبت انجام شده برای توزیع مناسب منابع در مناطقی که هم‌وطنان ما حضور بیشتری داشتند، مثل استان‌ها و شهرهای مسافرپذیر در شمال کشور، شاهد اقدامات برنامه‌ریزی شده بر اساس یک نقشه‌راه طراحی شده از قبل برای دوران بحرانی مثل جنگ نبودیم و مثل بسیاری مواقع منتظر ماندیم تا بحران رخ دهد و تصمیم‌ها و مصوبات را بر اساس شرایط موجود اتخاذ کنیم، روشی که سال‌های سال است منسوخ شده و حالا از آنجاکه احتمال وقوع چنین شرایطی، بیش از پیش وجود دارد، این موضوع و داشتن یک برنامه منسجم و از پیش تعیین شده بر اساس مبانی نظری مقاومتی، تجارب کشورهای موفق و نقشه‌راه و نظریه بومی شده متناسب با زیست و شرایط امروز ایران عزیز، اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. نویسنده در این یادداشت، به دنبال پاسخ به این سؤال بنیادی و راهبردی است که در شرایط توأمان جنگ، تحریم، ناامنیهای ژئوپلیتیک و فشار تورمی، چگونه می‌توان اقتصاد یک کشور را نه فقط از تضعیف و بحران نجات داد، بلکه در مسیر بازسازی و توسعه قرار داد. نویسنده با تشریح شرایط تلاش می‌کند، ضمن واکاوی در مبانی نظری مختلف مقاومتی، تجارب موفق دیگر ملل، نگاهی به تجارب کشورهایی داشته باشد که از شرایط مشابه، یا موقعیت گذرکرده‌اند و سپس بر اساس نظریات معتبر اقتصادی، الگوهای موفق بین‌المللی، تجربه زیسته جمهوری اسلامی ایران در شرایط جنگ ترکیبی و فشار مزمن تحریم و تشریح الزامات و ضرورت‌های شرایط امروزی، چهارچوب نظری جدیدی تحت عنوان «اقتصاد تاب‌آور ترکیبی» را به‌عنوان چهارچوبی نو برای حکمرانی اقتصادی ایران ارائه دهد و دریافان و در قالب چند بندی نیز پیشنهادهایی را با عنوان توصیه‌های کاربردی برای سیاست‌گذاری در ایران امروز، مطرح کند.

مبانی نظری اقتصادی در شرایط جنگی

در مواجهه با هر بحران فراگیر، به‌ویژه بحران‌هایی از جنس جنگ، تحریم و ناامنیهای ژئوپلیتیک، واکنش صرفاً عملیاتی بدون پشتوانه نظری، نه‌تنها ناکارآمد است، بلکه برخی مواقع، خود به عاملی برای تعمیق بحران بدل می‌شود. اژئیرن، هرگونه طراحی سیاست اقتصادی برای کشوری که درگیر جنگ ترکیبی است، نیازمند تکیه بر چهارچوب‌های نظری آزموده شده و توقف نه پایان جنگ و ابهام به سر می‌برند، اقتصاد کشورها به‌جای تکیه‌گاه، به میدان تهدید و نوسان تبدیل می‌شود. در چنین فضایی، رکود تورمی، بی‌ثباتی ارزی، بلاتکلیفی اجتماعی و عدم امکان برنامه‌ریزی مناسب، کشور را در معرض مشکلات داخلی به‌ویژه در حوزه اقتصاد قرار می‌دهد؛ حوزه‌ای که در سال‌های اخیر دربساری از کشورها، از پیوست امنیت به عامل و تقویت‌کننده امنیت تبدیل شده و اهمیت آن، بیش از پیش افزایش پیدا کرده است. متأسفانه در دفاع مقدس ۱۲ روزه، علی‌رغم اقدامات مثبت انجام شده برای توزیع مناسب منابع در مناطقی که هم‌وطنان ما حضور بیشتری داشتند، مثل استان‌ها و شهرهای مسافرپذیر در شمال کشور، شاهد اقدامات برنامه‌ریزی شده بر اساس یک نقشه‌راه طراحی شده از قبل برای دوران بحرانی مثل جنگ نبودیم و مثل بسیاری مواقع منتظر ماندیم تا بحران رخ دهد و تصمیم‌ها و مصوبات را بر اساس شرایط موجود اتخاذ کنیم، روشی که سال‌های سال است منسوخ شده و حالا از آنجاکه احتمال وقوع چنین شرایطی، بیش از پیش وجود دارد، این موضوع و داشتن یک برنامه منسجم و از پیش تعیین شده بر اساس مبانی نظری مقاومتی، تجارب کشورهای موفق و نقشه‌راه و نظریه بومی شده متناسب با زیست و شرایط امروز ایران عزیز، اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. نویسنده در این یادداشت، به دنبال پاسخ به این سؤال بنیادی و راهبردی است که در شرایط توأمان جنگ، تحریم، ناامنیهای ژئوپلیتیک و فشار تورمی، چگونه می‌توان اقتصاد یک کشور را نه فقط از تضعیف و بحران نجات داد، بلکه در مسیر بازسازی و توسعه قرار داد. نویسنده با تشریح شرایط تلاش می‌کند، ضمن واکاوی در مبانی نظری مختلف مقاومتی، تجارب موفق دیگر ملل، نگاهی به تجارب کشورهایی داشته باشد که از شرایط مشابه، یا موقعیت گذرکرده‌اند و سپس بر اساس نظریات معتبر اقتصادی، الگوهای موفق بین‌المللی، تجربه زیسته جمهوری اسلامی ایران در شرایط جنگ ترکیبی و فشار مزمن تحریم و تشریح الزامات و ضرورت‌های شرایط امروزی، چهارچوب نظری جدیدی تحت عنوان «اقتصاد تاب‌آور ترکیبی» را به‌عنوان چهارچوبی نو برای حکمرانی اقتصادی ایران ارائه دهد و دریافان و در قالب چند بندی نیز پیشنهادهایی را با عنوان توصیه‌های کاربردی برای سیاست‌گذاری در ایران امروز، مطرح کند.

نظریه اقتصاد مقاومتی (resistance economy)

نظریه مقاومتی دیگر، نظریه اقتصاد مقاومتی است که منبعث از بیانات و سیاست‌های ایلاهی رهبر معظم انقلاب اسلامی از حدود سال ۱۳۹۲ بحران ارزی، فشار تحریم و جنگ روانی، ساختار اقتصادی باید به‌گونه‌ای باشد که با آسیب حداقلی و توان بازیابی سریع عمل کند.

نظریه اقتصاد رفتاری در بحران (Behavioral economics in crisis)

دانیل کانمن (Daniel Kahneman) و آموس تورسکی (Amos Tversky) از جمله نظریه‌پردازان برجسته در زمینه اقتصاد رفتاری در دهه ۱۹۷۰ هستند که بیشتر به‌خاطر ارائه نظریه چشم‌انداز (Prospect Theory) که رفتار تصمیم‌گیری انسان‌ها در شرایط عدم قطعیت را بررسی می‌کند، شناخته شده‌اند. نظریه اقتصاد رفتاری در بحران که در دهه ۲۰۰۰ میلادی گسترش پیدا کرد، به مطالعه رفتارهای غیرمنطقی، احساسی یا مبتنی بر ترس و امید در شرایط بحرانی بزرگ مانند جنگ، بلایای طبیعی یا فروپاشی اقتصادی می‌پردازد. این نظریه نشان می‌دهد در شرایط تهدید، رفتارهای اقتصادی مردم از الگوهای منطقی فاصله می‌گیرد و به تصمیم‌گیری‌های سریع، محافظه‌کارانه یا هیجانی متمایل می‌شود. هدف این نظریه، درک نحوه واکنش مردم، مصرف‌کنندگان و حتی مسئولان در شرایط بحرانی و استفاده از ابزارهای رسانه‌ای، اطلاعاتی و انگیزشی برای هدایت رفتار اقتصادی در مسیر درست است. به‌کارگیری نظریه‌های ارائه‌شده از آزمای اذهان عمومی، برجسته‌سازی ثبات بازار ارز، دعوت به حفظ سرمایه در بانک‌ها و پرهیز از تصمیم‌های احساسی و هیجانی و ایجاد حس اعتماد به نظام اقتصادی و دفاعی، از جمله راهکارهای مؤثر و منطبق با این نظریه در جلوگیری از پانیک اقتصادی بوده است.

نظریه نوآوری نهادی در دوران بحران (Institutionalinnovationintimesforcrisis)

ریچارد نلسون (Richard R. Nelson) و ناتان روزنبرگ (Nathan Rosenberg) در دهه ۱۹۹۰ و در چهارچوب نظریه نوآوری نهادی در دوران بحران با الهام از مدل‌های توسعه ژاپن و آلمان پس از جنگ جهانی دوم، تأکید دارند جنگ‌ها و بحران‌های بزرگ می‌توانند تقاط عطف تاریخی برای بازآفرینی ساختارهای اقتصادی باشند. در این رویکرد، بحران‌ها به‌جای پایان راه، فرصتی برای احیای ناوآورانه در نهادها، صنایع، زنجیره ارزش، فناوری و سیاست‌های اقتصادی تلقی می‌شوند. اصل کلیدی نظریه نوآوری نهادی در دوران بحران این است که «ویرانی، لزوماً نابودی نیست، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز خلق دوباره باشد.» در واقع، هدف در نظر به‌ویژه در آمریکایی فوق از طرح نظریه مذکور، تبدیل شوک‌های بزرگ به سکوی پرتاب برای نوآوری و تغییر ساختارهای ناکارآمد کردن و بر خودکفایی کشاورزی در محصولات استراتژیک مثل گندم و بیستر متمرکز شدند. مسئولان ایرانی در این دوران با اتکاء به منابع انسانی و بسیج اجتماعی، ظرفیت‌های تولیدی قابل توجهی را در دل جنگ به فرصت تبدیل کردند و رشد تولید برخی محصولات کشاورزی مانند گندم در سال ۱۳۶۷ به ۱۰٪ رسید و یک خودکفایی نسبی محقق شد و با اینکه کشور در جنگ بود و محدودیت‌های زیادی وجود داشت، نسبت تولید ناخالص داخلی به جمعیت ثابت ماند. این تجارب می‌تواند منبعی قابل توجه برای سیاست‌گذاری امروز این کشور باشد.

گذار از نگاه تجزیه‌ای و مستقل به نگاه ترکیبی و نظام‌مند

پس از تبیین نظریه‌های بنیادین حوزه اقتصاد در شرایط بحران، از اقتصاد جنگ تا تاب‌آوری و نوآوری نهادی در دوران بحران و مرور تجارب کشورهایی که در دل جنگ و محدودیت، اقتصاد فعال و رو به رشد را خلق کردند، اکنون زمان آن فرا رسیده است که در حوزه نظری، از نگاه تجزیه‌ای و مستقل به نگاه ترکیبی و نظام‌مند، عبور کنیم، زیرا در شرایط ویژه‌ای مانند وضعیت ایران امروز که همزمان با جنگ ترکیبی، تحریم چندلایه، بی‌ثباتی منطقه‌ای و مطالبات درون‌زا مواجه است، هیچ‌کدام از نظریات بررسی شده به‌تنهایی پاسخ‌گوی پیچیدگی‌های تصمیم‌گیری اقتصادی در این کشور نیست. آنچه مورد نیاز است، یک الگوی جامع، بومی‌سازی‌شده و منطبق با زیست‌بوم مقاومت و توسعه است.

تئوری اقتصاد تاب‌آور ترکیبی (Hybrid Resilient Economy Theory – HRET)، ضمن بهره‌گیری هوشمندانه از اصول پنج نظریه مادر، الگویی منسجم و قابل اجرا برای کشورهای مثل ایران است که همواره درگیر بحران‌های مزمن هستند.

چرایی ضرورت طراحی چهارچوب و نقشه راه جدید برای اقتصاد ایران

اما قبل از توضیح درباره چهارچوب اقتصاد تاب‌آور ترکیبی، باید به این سؤال پاسخ داد که چرا در این مقطع زمانی باید به سمت این الگو و نقشه راه جدید رفت. جنگ ۱۲ روزه‌ای که رژیم صهیونیستی، آمریکا و متحدانشان از ۲۳ آذر ۱۴۰۲ بر ایران عزیزمان تحمیل کردند و در مقابل، مدیریت خردمندانه رهبر معظم انقلاب، بازدارندگی مردمی و قدرت آفندی و پدافندی نیروهای مسلح ایران در خلق دفاع مقدس ۱۲ روزه، آن‌ها را مجبور به درخواست آتش‌بس و پذیرش شکست کرد، اکنون در وضعیت توقف و به قول آن‌ها، آتش‌بس متزلزل به سر می‌برد، شرایطی که بیش از هر موضوع دیگری، بر ابعاد مختلف اقتصاد کشور، اثرگذار است.

امروز اغلب کارشناسان داخلی و ناظران بین‌المللی، با توجه به عملکرد گذشته رژیم صهیونیستی در تعاملات بین‌المللی، بر این باورند که این رژیم جعلی و حامیانش، به هیچ توافق و آتش‌بسی پایبند نبوده و نخواهند بود و به همین دلیل، دور بعدی تهاجم‌ها نیز دور از ذهن نخواهد بود. شرایط، چشم‌اندازی مبهم را پیش‌روی کنشگران اقتصادی و مردم ایران قرار داده است و این بی‌ثباتی و عدم اطمینان که همواره از تحریم و ایران هراسی تغذیه می‌شده، حالا دارای شرایط جدیدی به نام «جنگ هراسی» شده است، مثلثی که می‌تواند بلای جان اقتصاد هر کشوری باشد. حتی شاید بتوان با احتمال زیادی گفت، اگر این مثلث در کنار دیگر شاخص‌های دشمن عبری - آمریکایی - غربی علیه کشورمان، تحمیل همین شرایط فرسایشی عدم ثبات و پیش‌بینی‌ناپذیری بر اقتصاد کشور و در نهایت، تشدید مشکلات اقتصادی، تولیدی و معیشتی در درون کشور نباشد.

در چنین شرایطی، الگوهای اقتصادی کلاسیک حال حاضر، ریاضت اقتصادی یا حتی نسخه‌های شکست خورده تعدیل ساختاری، نمی‌تواند پاسخگو باشد و برای اینکه اقتصاد ایران نه تنها دچار مشکل نشود، بلکه فعال و حتی تقویت شود، ما به یک الگوی جدید و بومی نیاز داریم که متناسب با تجربه تاریخی ایران، فشار تحریم، تهدید نظامی و جنگ روانی، طراحی شده باشد.

بر همین اساس، طرح «اقتصاد تاب‌آور ترکیبی» چهارچوب مذکور را که مبتنی بر ترکیبی از نظریات مقاومتی اقتصاد، الگوهای موفق بین‌المللی و تجربه زیسته جمهوری اسلامی ایران در قالب ترکیبی از تحریم، جنگ و تشکیل اتاق فرمان جنگ، طراحی شده و پیشنهاد می‌دهد تا در صورت حوادث و عملیاتی کردن کامل آن، همچنان، پویایی اقتصاد، تولید، انسجام ملی و مقاومت اجتماعی، حفظ شود.

نظریهٔ «اقتصاد تاب‌آور ترکیبی»

تئوری اقتصاد تاب‌آور ترکیبی، مدلی استراتژیک، انعطاف‌پذیر و چندبعدی است که بر اساس هم‌افزایی پنج نظریه کلیدی طراحی شده تا بتواند به دولت‌ها و ملت‌ها در شرایط همزمان جنگ، تحریم و ناامنیهای ژئوپلیتیک، یک مسیر باثبات برای حفظ و انسجام اقتصادی، رشد تولید و تقویت مقاومت ملی ارائه دهد. این تئوری و چهارچوب، برخلاف مدل‌های کلاسیک اقتصادی که در فضای صلح و ثبات شکل گرفته‌اند، در دل تنش، بی‌ثباتی و فشار تحریم‌ها طراحی شده و به همین دلیل، می‌تواند به‌عنوان نقشه راه اقتصاد در دوران تهدید مزمن، عمل کند. در قلب این تئوری، شش ستون یا ضلع مفهومی، تاب‌آوری نهادی، تاب‌آوری اجتماعی، تنوع‌بخشی راهبردی اقتصادی، تهاتر راهبردی، بسیج مردمی تولید و هوشمندی عملیاتی قرار دارد. این شش ضلعی، چهارچوب اجرایی تئوری مدنظر را شکل می‌دهد و ابزارهای لازم برای عبور از شرایط جنگی، جلوگیری از تضعیف اقتصادی و حتی پایه‌گذاری توسعه ملی را فراهم می‌سازد. در ادامه، هر یک از این اضلاع، معرفی و همراه با الزامات اجرایی پیشنهادی، تشریح خواهد شد.

اضلاع نظریه اقتصاد تاب‌آور ترکیبی

۱ تاب‌آوری نهادی (Institutional Resilience)

منظور از تاب‌آوری نهادی که ناظر به ظرفیت تصمیم‌گیری سریع و اقتدار دولت می‌باشد، بازمهندسی ساختار دولت برای تصمیم‌گیری سریع، غیرمتمرکزسازی هوشمند و حذف بروکراسی‌های مزاحم در تولید با هدف حفظ ثبات در شرایط بحران است. سه اقدام مهم در تاب‌آوری نهادی، تشکیل «ستاد فرماندهی اقتصادی جنگ ترکیبی» با ساختار متمرکز، حذف قوانین زائد تولید و صدور مجوز فوری برای صنایع ضروری و واگذاری اختیارات کامل به استانداران برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در شرایط فوق‌العاده است.

۲ تاب‌آوری اجتماعی (Social resilience)

منظور از تاب‌آوری اجتماعی که ناظر به انسجام مردم و توزیع عادلانه ریسک است، حفظ انسجام و اعتماد عمومی با مشارکت مردم است. در این راستا، تقویت همبستگی اجتماعی باید از طرق مختلف، مشارکت‌دادن مردم در سیاست‌گذاری‌ها، طراحی سیاست‌های حمایتی هدفمند و توزیع عادلانه منابع، در دستور کار قرار گیرد. از جمله اقدامات مهم در این حوزه، می‌توان به اقدامات فرهنگی و رسانه‌ای با هدف تقویت انسجام و تاب‌آوری اجتماعی هدفمند، جلب مشارکت مردمی در تصمیم‌سازی‌ها از طرق مختلف به خصوص شوراهای محلی و عملیاتی کردن کالابرگ الکترونیکی هوشمند برای حمایت از اقشار کم‌درآمد، اشاره کرد.

۳ تنوع‌بخشی راهبردی اقتصادی (Strategic Diversification)

منظور از تنوع‌بخشی راهبردی اقتصادی که ناظر به کاهش آسیب‌پذیری ساختاری اقتصاد است، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، افزایش صادرات غیرنفتی، تکیه بر اقتصاد دیجیتال و دانش‌بنیان است. از جمله اقدامات مهم در این ضلع، می‌توان به حمایت از صادرات محصولات کشاورزی، صنعتی و دانش‌بنیان به کشورهای همسایه و همسو، تقویت و توسعه فناوری اطلاعات و خدمات دیجیتال با قابلیت صادراتی و حمایت و تقویت صنایع پیشران به‌عنوان پیشران توسعه مثل تقویت معادن و صنایع معدنی، اشاره کرد.

۴ تهاتر راهبردی (Strategic Bartering)

منظور از تهاتر راهبردی به عنوان راهبرد عبور از تحریم مالی و دلاری، جایگزینی تدریجی ساختارهای ارزی با شبکه‌های مبادله کالایی، خدماتی و انرژی با کشورهای غیرهمسو با تحریم‌ها مثل روسیه، چین، ونزوئلا، هند، عراق، افغانستان و... است. در این راستا می‌توان به قرارداد تهاتر نفت با غلات با روسیه و ونزوئلا، تهاتر سیمان و فولاد با کالاهای دارویی از هند و چین یا ایجاد بازارچه‌های مرزی تهاتری با عراق، افغانستان، ترکیه و پاکستان اشاره داشت.

۵ بسیج تولید مردمی (Mobilization of popular production)

منظور از بسیج تولید مردمی که ناظر به ظرفیت درونی‌سازی توسعه در شرایط انسداد بیرونی است، استفاده از ظرفیت مردم، روستاها، نهادهای انقلابی و جهادی برای توسعه تولید کوچک‌مقیاس است. از جمله اقدامات مهم در این ضلع، می‌توان به احیای مدل جهاد سازندگی با اعطای تسهیلات هدفمند به روستاها، ایجاد شبکه‌های تعاونی، تولید خانوادگی، آموزش و تجهیز کارگاه‌های خانگی در زمینه پوشاک، صنایع دستی و صنایع تبدیلی و مواردی از این دست اشاره کرد.

۶ هوشمندی اقتصادی (National Economic Intelligence)

هوشمندی اقتصادی ملی با این فرضیه اصلی که بدون اطلاعات درست، هیچکدام از انواع تاب‌آوری دوام نخواهند داشت، بر توانمندی نظام اقتصادی در شناخت تهدیدها، فرصت‌ها، شبکه‌های فشار و نقاط ضعف اقتصادی ملی و اقتصاد دشمن با نگهه بر داده‌محوری، رصد هوشمندانه و تحلیل اطلاعات، تأکید دارد. این ضلع، پشتیبان سایر اضلاع نظریه اقتصاد تاب‌آور ترکیبی است و بدون آن، تاب‌آوری نهادی کور شده، تهاتر، بی‌هدف و بسیج تولید، بی‌اثر می‌شود. هوشمندی اقتصاد ملی، علاوه‌بر پشتیبانی از سایر اضلاع، اهمیت زیادی دارد. در واقع، اقتصاد در جنگ ترکیبی بدون اطلاعات دقیق، دچار کوری راهبردی می‌شود. از یک طرف اعداد دشمن را باید تحلیل کرد و از طرف دیگر، اطلاع و تقویت نقاط ضعف و قوت آن اشراف داشت و از طرف دیگر، باید نسبت به اقتصاد داخلی و داده‌های واقعی از تولید، تورم، قاچاق، ذخایر، انتظارات و... اطلاع و اشراف کافی داشت. از جمله اقدامات مهم در این ضلع نیز، می‌توان به راه‌اندازی ستاد رصد اطلاعات اقتصادی در جنگ ترکیبی با حضور وزارتخانه‌های اقتصاد، صمت، نفت، نیرو، کشاورزی، اطلاعات، سازمان برنامه، بانک مرکزی، اتاق اطلاعات و... اشاره کرد.

تدبیل یک دشمن جنگ به فرصت صنعتی‌شدن

کره جنوبی در دهه ۱۹۵۰ یکی از فقیرترین نقاط جهان بود که در ویرانی کامل قرار داشت و وابستگی شدید به کمک‌های خارجی داشت. دولت کره جنوبی پس از جنگ کره (۱۹۷۰-۱۹۵۳) برنامه‌های توسعه صنعتی با محوریت صادرات (Export-Oriented Industrialization) را با استفاده از کمک‌های خارجی در دستور کار قرار داد و با اصلاح ساختارهای مالکیتی، Chaebol‌ها (شرکت‌های عظیم خانوادگی) را شکل داد و سرمایه‌گذاری قابل توجهی را نیز در آموزش فنی انجام داد که در نهایت دستاوردهای قابل توجهی را رقم زد. این کشور موفق شد صادرات را از ۳۲ میلیون دلار در سال ۱۹۶۰ به ۱۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ برساند و رشد قابل توجهی را تجربه کند و بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۰ رشد اقتصادی میانگین سالانه ۹٪ را به دست آورد. مدیریت متمرکز، برنامه‌ریزی بلندمدت و حمایت ویژه دولت از تولید داخلی، از جمله اقداماتی بود که نتایج مذکور را برای این کشور محقق کرد و در واقع، کره جنوبی، بحران جنگ را به فرصتی برای صنعتی‌شدن تبدیل کرد.

ایران؛ تجربه‌ای موفق در مدیریت منابع درون‌زا

در نگاه محققان و اقتصاددان‌های دنیا، جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از کشورهایی است که در تاریخ خود، توانسته از دل جنگ و تهدید، اقتصادی فعال و رو به رشد را برساخته و خلق کند. ایران در ۸ سال دفاع مقدس طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ با جنگ، تحریم، کاهش صادرات نفت و نابودی زیرساخت‌های خود روبه‌رو بود. مسئولان ایرانی برای جلوگیری از افزایش مشکلات اقتصادی در زمان بحران و جنگ، مدیریت منابع درون‌زا را در دستور کار قرار دادند. جهاد سازندگی و بسیج سازندگی را با هدف مشارکت مردم و تغییر ساختارهای ناکارآمد کردند و بر خودکفایی کشاورزی در محصولات استراتژیک مثل گندم و برنج متمرکز شدند. مسئولان ایرانی در این دوران با اتکاء به منابع انسانی و بسیج اجتماعی، ظرفیت‌های تولیدی قابل توجهی را در دل جنگ به فرصت تبدیل کردند و رشد تولید برخی محصولات کشاورزی مانند گندم در سال ۱۳۶۷ به ۱۰٪ رسید و یک خودکفایی نسبی محقق شد و با اینکه کشور در جنگ بود و محدودیت‌های زیادی وجود داشت، نسبت تولید ناخالص داخلی به جمعیت ثابت ماند. این تجارب می‌تواند منبعی قابل توجه برای سیاست‌گذاری امروز این کشور باشد.

گذار از نگاه تجزیه‌ای و مستقل به نگاه ترکیبی و نظام‌مند

پس از تبیین نظریه‌های بنیادین حوزه اقتصاد در شرایط بحران، از اقتصاد جنگ تا تاب‌آوری و نوآوری نهادی در دوران بحران و مرور تجارب کشورهایی که در دل جنگ و محدودیت، اقتصاد فعال و رو به رشد را خلق کردند، اکنون زمان آن فرا رسیده است که در حوزه نظری، از نگاه تجزیه‌ای و مستقل به نگاه ترکیبی و نظام‌مند، عبور کنیم، زیرا در شرایط ویژه‌ای مانند وضعیت ایران امروز که همزمان با جنگ ترکیبی، تحریم چندلایه، بی‌ثباتی منطقه‌ای و مطالبات درون‌زا مواجه است، هیچ‌کدام از نظریات بررسی شده به‌تنهایی پاسخ‌گوی پیچیدگی‌های تصمیم‌گیری اقتصادی در این کشور نیست. آنچه مورد نیاز است، یک الگوی جامع، بومی‌سازی‌شده و منطبق با زیست‌بوم مقاومت و توسعه است.

تئوری اقتصاد تاب‌آور ترکیبی (Hybrid Resilient Economy Theory – HRET)، ضمن بهره‌گیری هوشمندانه از اصول پنج نظریه مادر، الگویی منسجم و قابل اجرا برای کشورهای مثل ایران است که همواره درگیر بحران‌های مزمن هستند.

چرایی ضرورت طراحی چهارچوب و نقشه راه جدید برای اقتصاد ایران

اما قبل از توضیح درباره چهارچوب اقتصاد تاب‌آور ترکیبی، باید به این سؤال پاسخ داد که چرا در این مقطع زمانی باید به سمت این الگو و نقشه راه جدید رفت. جنگ ۱۲ روزه‌ای که رژیم صهیونیستی، آمریکا و متحدانشان از ۲۳ آذر ۱۴۰۲ بر ایران عزیزمان تحمیل کردند و در مقابل، مدیریت خردمندانه رهبر معظم انقلاب، بازدارندگی مردمی و قدرت آفندی و پدافندی نیروهای مسلح ایران در خلق دفاع مقدس ۱۲ روزه، آن‌ها را مجبور به درخواست آتش‌بس و پذیرش شکست کرد، اکنون در وضعیت توقف و به قول آن‌ها، آتش‌بس متزلزل به سر می‌برد، شرایطی که بیش از هر موضوع دیگری، بر ابعاد مختلف اقتصاد کشور، اثرگذار است.

امروز اغلب کارشناسان داخلی و ناظران بین‌المللی، با توجه به عملکرد گذشته رژیم صهیونیستی در تعاملات بین‌المللی، بر این باورند که این رژیم جعلی و حامیانش، به هیچ توافق و آتش‌بسی پایبند نبوده و نخواهند بود و به همین دلیل، دور بعدی تهاجم‌ها نیز دور از ذهن نخواهد بود. شرایط، چشم‌اندازی مبهم را پیش‌روی کنشگران اقتصادی و مردم ایران قرار داده است و این بی‌ثباتی و عدم اطمینان که همواره از تحریم و ایران هراسی تغذیه می‌شده، حالا دارای شرایط جدیدی به نام «جنگ هراسی» شده است، مثلثی که می‌تواند بلای جان اقتصاد هر کشوری باشد. حتی شاید بتوان با احتمال زیادی گفت، اگر این مثلث در کنار دیگر شاخص‌های دشمن عبری - آمریکایی - غربی علیه کشورمان، تحمیل همین شرایط فرسایشی عدم ثبات و پیش‌بینی‌ناپذیری بر اقتصاد کشور و در نهایت، تشدید مشکلات اقتصادی، تولیدی و معیشتی در درون کشور نباشد.

در چنین شرایطی، الگوهای اقتصادی کلاسیک حال حاضر، ریاضت اقتصادی یا حتی نسخه‌های شکست خورده تعدیل ساختاری، نمی‌تواند پاسخگو باشد و برای اینکه اقتصاد ایران نه تنها دچار مشکل نشود، بلکه فعال و حتی تقویت شود، ما به یک الگوی جدید و بومی نیاز داریم که متناسب با تجربه تاریخی ایران، فشار تحریم، تهدید نظامی و جنگ روانی، طراحی شده باشد.

بر همین اساس، طرح «اقتصاد تاب‌آور ترکیبی» چهارچوب مذکور را که مبتنی بر ترکیبی از نظریات مقاومتی اقتصاد، الگوهای موفق بین‌المللی و تجربه زیسته جمهوری اسلامی ایران در قالب ترکیبی از تحریم، جنگ و تشکیل اتاق فرمان جنگ، طراحی شده و پیشنهاد می‌دهد تا در صورت حوادث و عملیاتی کردن کامل آن، همچنان، پویایی اقتصاد، تولید، انسجام ملی و مقاومت اجتماعی، حفظ شود.

نظریهٔ «اقتصاد تاب‌آور ترکیبی»

تئوری اقتصاد تاب‌آور ترکیبی، مدلی استراتژیک، انعطاف‌پذیر و چندبعدی است که بر اساس هم‌افزایی پنج نظریه کلیدی طراحی شده تا بتواند به دولت‌ها و ملت‌ها در شرایط همزمان جنگ، تحریم و ناامنیهای ژئوپلیتیک، یک مسیر باثبات برای حفظ و انسجام اقتصادی، رشد تولید و تقویت مقاومت ملی ارائه دهد. این تئوری و چهارچوب، برخلاف مدل‌های کلاسیک اقتصادی که در فضای صلح و ثبات شکل گرفته‌اند، در دل تنش، بی‌ثباتی و فشار تحریم‌ها طراحی شده و به همین دلیل، می‌تواند به‌عنوان نقشه راه اقتصاد در دوران تهدید مزمن، عمل کند. در قلب این تئوری، شش ستون یا ضلع مفهومی، تاب‌آوری نهادی، تاب‌آوری اجتماعی، تنوع‌بخشی راهبردی اقتصادی، تهاتر راهبردی، بسیج مردمی تولید و هوشمندی عملیاتی قرار دارد. این شش ضلعی، چهارچوب اجرایی تئوری مدنظر را شکل می‌دهد و ابزارهای لازم برای عبور از شرایط جنگی، جلوگیری از تضعیف اقتصادی و حتی پایه‌گذاری توسعه ملی را فراهم می‌سازد. در ادامه، هر یک از این اضلاع، معرفی و همراه با الزامات اجرایی پیشنهادی، تشریح خواهد شد.

اضلاع نظریه اقتصاد تاب‌آور ترکیبی

۱ تاب‌آوری نهادی (Institutional Resilience)

منظور از تاب‌آوری نهادی که ناظر به ظرفیت تصمیم‌گیری سریع و اقتدار دولت می‌باشد، بازمهندسی ساختار دولت برای تصمیم‌گیری سریع، غیرمتمرکزسازی هوشمند و حذف بروکراسی‌های مزاحم در تولید با هدف حفظ ثبات در شرایط بحران است. سه اقدام مهم در تاب‌آوری نهادی، تشکیل «ستاد فرماندهی اقتصادی جنگ ترکیبی» با ساختار متمرکز، حذف قوانین زائد تولید و صدور مجوز فوری برای صنایع ضروری و واگذاری اختیارات کامل به استانداران برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در شرایط فوق‌العاده است.

۲ تاب‌آوری اجتماعی (Social resilience)

منظور از تاب‌آوری اجتماعی که ناظر به انسجام مردم و توزیع عادلانه ریسک است، حفظ انسجام و اعتماد عمومی با مشارکت مردم است. در این راستا، تقویت همبستگی اجتماعی باید از طرق مختلف، مشارکت‌دادن مردم در سیاست‌گذاری‌ها، طراحی سیاست‌های حمایتی هدفمند و توزیع عادلانه منابع، در دستور کار قرار گیرد. از جمله اقدامات مهم در این حوزه، می‌توان به اقدامات فرهنگی و رسانه‌ای با هدف تقویت انسجام و تاب‌آوری اجتماعی هدفمند، جلب مشارکت مردمی در تصمیم‌سازی‌ها از طرق مختلف به خصوص شوراهای محلی و عملیاتی کردن کالابرگ الکترونیکی هوشمند برای حمایت از اقشار کم‌درآمد، اشاره کرد.

۳ تنوع‌بخشی راهبردی اقتصادی (Strategic Diversification)

منظور از تنوع‌بخشی راهبردی اقتصادی که ناظر به کاهش آسیب‌پذیری ساختاری اقتصاد است، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، افزایش صادرات غیرنفتی، تکیه بر اقتصاد دیجیتال و دانش‌بنیان است. از جمله اقدامات مهم در این ضلع، می‌توان به حمایت از صادرات محصولات کشاورزی، صنعتی و دانش‌بنیان به کشورهای همسایه و همسو، تقویت و توسعه فناوری اطلاعات و خدمات دیجیتال با قابلیت صادراتی و حمایت و تقویت صنایع پیشران به‌عنوان پیشران توسعه مثل تقویت معادن و صنایع معدنی، اشاره کرد.

۴ تهاتر راهبردی (Strategic Bartering)

منظور از تهاتر راهبردی به عنوان راهبرد عبور از تحریم مالی و دلاری، جایگزینی تدریجی ساختارهای ارزی با شبکه‌های مبادله کالایی، خدماتی و انرژی با کشورهای غیرهمسو با تحریم‌ها مثل روسیه، چین، ونزوئلا، هند، عراق، افغانستان و... است. در این راستا می‌توان به قرارداد تهاتر نفت با غلات با روسیه و ونزوئلا، تهاتر سیمان و فولاد با کالاهای دارویی از هند و چین یا ایجاد بازارچه‌های مرزی تهاتری با عراق، افغانستان، ترکیه و پاکستان اشاره داشت.

۵ بسیج تولید مردمی (Mobilization of popular production)

منظور از بسیج تولید مردمی که ناظر به ظرفیت درونی‌سازی توسعه در شرایط انسداد بیرونی است، استفاده از ظرفیت مردم، روستاها، نهادهای انقلابی و جهادی برای توسعه تولید کوچک‌مقیاس است. از جمله اقدامات مهم در این ضلع، می‌توان به احیای مدل جهاد سازندگی با اعطای تسهیلات هدفمند به روستاها، ایجاد شبکه‌های تعاونی، تولید خانوادگی، آموزش و